

## در تکاپوی اتحاد اسلامی



سیدجمال‌الدین اسدآبادی که سال 1255 هـ. ق در قریه اسدآباد از توابع همدان دیده بر جهان برگشود از جمله نامدارانی است که اندیشه اتحاد تمامی مسلمانان جهان را پشتوانه عمل خویش قرار داده بود.

جام جم آنلاین: سیدجمال‌الدین اسدآبادی که سال 1255 هـ. ق در قریه اسدآباد از توابع همدان دیده بر جهان برگشود از جمله نامدارانی است که اندیشه اتحاد تمامی مسلمانان جهان را پشتوانه عمل خویش قرار داده بود.

اندیشه اتحاد اسلامی که جمال‌الدین، مروج و مبلغ آن بود امری بود که ریشه در تعلیمات پیامبر(ص) داشت و سنگ بنای اصلی آن در دستور موکد #171؛ انما المومنون اخوه؛ دیده می‌شد. با این وصف آنچه روشن است، در گذر تاریخ، اتحاد اسلامی به تقریب به افتراق اسلامی انجامید.

اوج افتراق بین مسلمانان را در کشمکش‌های 2 امپراتوری قدرتمند صفوی و عثمانی که یکی مدعی تشیع و آن دیگری مبلغ تسنن بود می‌توان مشاهده نمود. آنچه روشن است، افتراق نامیمون اسلامی برای سده‌های متمادی ادامه داشت. ادامه اختلاف‌های دهشتناک حکومت‌های عثمانی و ایران و تسلط سهمگین دول استعماری فرنگ بر بسیاری از سرزمین‌های اسلامی تلنگری شد برای بیداری و رستن از رخوت و سستی چندصدساله و در جستجوی چاره برآمدن. برابر با تاریخ، 3 گروه عمده روشنفکری در جهان اسلام پدیدار گشتند و 3 راهکار متفاوت در جهت رستخیز مجدد در سرزمین‌های اسلامی مطرح نمودند.

گروهی چون رفاعه طهطاوی، مبلغ تقلید از تمدن غرب شدند و نسلی جدید از روشنفکران غربزده و غربگرا را به دنبال آوردند.

در ایران نیز پیروان چنین ایده‌ای ظهور به هم رسانیدند و حتی در برهه‌ای برخی از آنان اذعان نمودند که یگانه راه پیشرفت آن است که از موی فرق سر تا ناخن انگشت پا غربی شویم!

شماری از روشنفکران مسلمان هم تلاش کردند تا با دامن زدن به بحث‌های مرتبط با ملیت، غرور ملی جوامع مسلمان را برانگیزند. افرادی چون مصطفی کامل و ضیاء گوگلپ از جمله اینان بودند و در حقیقت نقشی عمده در جهت ظهور مکاتب پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم و... ایفا نمودند.

سومین گروه برخی از فرمانروایان و طیفی از اندیشمندان جهان اسلام بودند که چاره کار را در احیای اتحاد اسلامی دیدند. نادرشاه افشار، برخی مسلمانان مناطق حیدرآباد، دکن و علیگر در هندوستان و از جمله آنها روشنفکر شیعی، امیرعلی، گروهی از تاتارهای غازان و کریمه و سیاستمدار اصلاح طلب تونسی و خیرالدین پاشا کسانی بودند که زودتر از دیگران نغمه اتحاد اسلامی را مترنم شدند.

از آنچه گفته آمد مشخص شد نجوای اتحاد اسلامی مدتی پیش از ظهور سیدجمال‌الدین نیز به گوش می‌رسید، اما بایسته و شایسته است گفته شود این سیدجمال‌الدین بود که آوای آن را با صدایی بلند و رسا نه تنها در جهان اسلام، بلکه در سراسر عالم طنین‌انداز کرد و در این راه چنان توانمند و پرتلاش ظاهر شد که به‌درستی و همان‌طور که بسیاری از تاریخ پژوهان اقرار داشته‌اند او را باید مبدع راستین اندیشه اتحاد اسلام و بنیانگذار نهضت‌های اسلامی نامید. افرادی چون شیخ محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی، رشید رضا، شکیب ارسلان و ابن‌بادیس هم کسانی بودند که ترویج اندیشه سیدجمال‌الدین را در جهان اسلام پی گرفتند.

آنچه از واکاوی آثار به یادگار مانده از اسدآبادی چون کتاب رساله نیچریه یا مقالاتش در روزنامه‌های عروه‌الوثقی و ضیاء‌الخافقین به دست می‌آید آن است که او از سویی تلاش کرد با تقریب مذاهب اسلامی، زمینه‌های وحدت اسلامی و در پی آن یکپارچه سازی سرزمین‌های اسلامی را فراهم آورد و از دیگر سویی با زدودن خرافات، بازسازی دین را محقق کند.

سیدجمال‌الدین بدان باور بود که دین در زندگی و اخلاق جامعه شرق نقش بنیادین داشته و لذا باید آن را اصلاح و احیا کرد. وی ضمن تأکید بر لزوم دیانت، وحدت بین مذاهب اسلامی را خواستار شد و اذعان داشت که اندیشه دینی می‌تواند با رعایت خردگرایی، خرافه‌زدایی، نفی تقلید کورکورانه و تک‌نگری پیرایش و تصفیه شود و با اجتهاد مستمر و پویا اصلاح و بازسازی گردد.

اسدآبادی بر آن ایده بود که انحطاط سیاسی، رویگردانی از حقایق اسلام، خودکامگی، تعصب و اضمحلال وحدت اسلامی اسباب انحطاط مسلمانان را فراهم آورده است و تنها راه علاج، اهتمام همه مسلمانان در جهت احیای آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی و انسجام سیاسی و فکری ملل اسلامی در برابر استعمار و دشمنان دین و آیین است.

در حقیقت، همان‌گونه که استاد محمد محیط طباطبایی نیز در کتاب، سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، اذعان کرده است، می‌توان اقرار داشت وی برای درمان دردهای تن و جان ممالک اسلامی به 3 اصل کلی معتقد گشته بود:

1- از میان بردن آثار تفرقه مذهبی و احیای روح وحدت اسلامی

2- تبدیل شیوه حکومت از استبدادی به مشروطه و برقراری قانون به جای رسوم و اوامر

3- مبارزه علنی و مستمر با نفوذ استعمارگران بویژه استعمار انگلستان

ضرورت دارد گفته شود مشروطه‌خواهی سید از نظر برخی پژوهشگران مترقیانه‌ترین وجه اندیشه‌اش بوده است، اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که مهم‌ترین هدف سید جمال‌الدین، همان طور که دکتر محسن - سلیم نویسنده کتاب تاریخ قاجار - نیز اظهار داشته، مبارزه با نفوذ امپریالیسم در کشورهای اسلامی و متحد ساختن مسلمانان جهان برضد آن دشمن مشترک بوده است و به همین سبب اسدآبادی را نمی‌توان به درستی از پیشروان اندیشه مشروطه‌خواهی در ایران یا دیگر کشورهای اسلامی خواند، اما مبارزه‌اش با دولت‌های استبدادی زمان، یاری فراوان ولی غیرمستقیمی به گسترش جنبش‌های مشروطه‌خواهی و به اصول و مبانی مشروطه کرد. نکته: مشروطه‌خواهی سید از نظر برخی پژوهشگران مترقیانه‌ترین وجه اندیشه‌اش بوده است، اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که مهم‌ترین هدف سید جمال‌الدین، مبارزه با نفوذ امپریالیسم در کشورهای اسلامی و متحد ساختن مسلمانان جهان برضد آن دشمن مشترک بوده است

در واقع، تاثیر اندیشه‌های سید در گسترش جنبش‌های اسلام‌گرا در کل جهان اسلام و هدایت محافل مذهبی و فرهنگی ایران به سمت جبهه‌گیری علیه استبداد قاجاری و استعمار خارجی شایان توجه و قابل بررسی است و حکایت از سهم ارزنده او در راه اندازی جنبش مقاومت ملی و مشروطه‌خواهی دارد.

گفتنی است، تلاش وی برای نیل به هدف از چند رهگذر صورت می‌گرفت:

الف: نگارش مقالات و رسائل متعدد: از جمله آنها می‌توان به کتاب نیچریه اشاره کرد که در آن مواضع ارنست رنان، فیلسوف مشهور فرانسوی، که اسلام را مخالف ترقی‌خواهی می‌دانست و آن را بزرگ‌ترین زنجیر بسته شده بر پای بشریت در درازنای تاریخ می‌نامید، نقد کرد و به صورت مستدل پاسخ ایرادات او را مشروح داشت.

آنچه هویدا ست مباحثات او با رنان بویژه درباره تطبیق و مقایسه تمدن اسلام و تمدن مغرب‌زمین در میان جوامع روشنفکری آن روزگار اروپا سرو صدایی بسیار به راه انداخته بود. شایان توجه آن است که پس از انتشار یکی از سخنرانی‌های رنان در دانشگاه سوربن که تحت عنوان، اسلام و علم ایراد شد و در آن اسلام با علم بی‌ارتباط شمرده شد. اسدآبادی با نگارش مقاله‌ای در روزنامه دبا به رد این گفتار پرداخت. شگفت آنجاست که رنان پس از مطالعه نوشتار سید در مقدمه پاسخ خود ضمن تمجید از او چنین نگاشت:

&#1717جمال‌الدین کاملاً از خرافات آزاد و وارسته است. او از این نژادهای قوی نهاد سمت فراز ایران است و در آنجا روح آریایی در زیر طبقه سطحی هنوز زنده است. شیخ بهترین دلیلی است به وجود آن حقیقت بزرگ که ما غالباً اعلام کرده‌ایم و آن عبارت است از این که قیمت ادیان به قدر آن قیمتی است که پیروان آن ادیان دارند.

حریت افکار شیخ، طبیعت نجیب و درست وی در موقع صحبت مرا به این اعتقاد واداشت که من در پیش خودم یکی از آشنایان قدیم خویش مثلاً ابن سینا یا ابن‌رشد را بار دیگر زنده شده می‌بینم یا یکی از آن آزادمردان بزرگ را که در دنیا مدت 5 قرن تمام نماینده روح انسانیت بوده‌اند مشاهده می‌کنم. نیازمند یاد کرده است که سید جمال‌الدین گویا با ویکتور هوگو، نویسنده مشهور فرانسه، نیز آشنایی و ارتباط داشته است. برابر با تاریخ او همچنین برای ملکه ویکتوریا هم نامه‌هایی نگاشت و سیاست‌های انگلستان در ایران و دیگر مناطق دنیای اسلام را مورد نقد قرار داد.

ب: انتشار روزنامه‌های عروه‌الوثقی و ضیاء‌الخاقین در اروپا: مجموعه مقاله‌ها و مطالبی که او در این روزنامه‌ها منتشر می‌ساخت متضمن آرا و عقاید سیاسی، اجتماعی و مذهبی سید مبنی بر مساوات و آزادی بود. این روزنامه‌ها به سراسر دنیای اسلام و بویژه ایران و عثمانی فرستاده می‌شد.

ج: تبلیغ عقاید و تربیت شاگردان از طریق سفر به سرزمین‌های مختلف اسلامی: او در این راستا به هند، افغانستان، عثمانی، مصر، حجاز و... سفر کرد. شاگردان بسیاری را نیز پرورش داد که از جمله مشهورترین آنان می‌توان به شیخ محمد عبده، ابراهیم لقانی و سعد ذغلول اشاره داشت.

شیخ الجسر طرابلسی نیز که بیشتر دانشمندان شامات، لبنان و فلسطین خود را تربیت شده مکتب او معرفی می‌کنند، تحول فکری خود را مدیون و نتیجه تعلیمات غیرمستقیم سیدجمال‌الدین بوده است.

د: نامه‌نگاری‌های متعدد و ملاقات با شاهان سرزمین‌های اسلامی از جمله ناصرالدین‌شاه قاجار و سلطان عثمانی، عبدالحمید و دعوت و توصیه به آنان جهت احیای وحدت اسلامی، زایل کردن استبداد و مبارزه با استعمار: این تلاش‌های سید چندان نتایج میمونی نداشت، چرا که ناصرالدین‌شاه به‌رغم استقبال اولیه از سید او را برای اقتدار و سلطه خویش خطرناک یافت و تبعیدش کرد. سلطان عبدالحمید هم به‌رغم حمایت نخستش از جمال‌الدین که شاید بیشتر بدان سبب بود تا به یاری او بتواند رویای دیرینه سلاطین عثمانی، خلافت عثمانیان بر کل جهان اسلام را برآورده سازد و در نهایت چاره‌ای جز کشتن سیدجمال‌الدین ندید.

هـ: نامه‌نگاری و گفت‌وگو با پیشوایان برجسته مذهبی و روشنفکران: در این باره می‌توان به نامه‌های او برای میرزای شیرازی، پیشوای بزرگ شیعیان و کسی که فتوایش جنبش عظیم تنباکو را در ایران به راه انداخت و ملاقات با افرادی چون میرزا فرصت شیرازی، ملک‌المتکلمین، میرزا ملک‌خان و عبدالقادر مغربی اشاره کرد.

به هر حال، به عنوان پایانی بر این کوتاه جستار و به مثابه برآیند سخن می‌توان گفت: منظور حقیقی سیدجمال‌الدین اسدآبادی برقرار کردن وحدت تام بین تمامی ملل و ممالک اسلامی و ایجاد سدی در برابر اغراض و آزمندی استعمارگران بود. او در راه بیداری همه ملل اسلامی مانند ایران، مصر، عثمانی و افغانستان به یک نسبت کوشید.

امیر نعمتی لیمائی / جام جم